

کوردستان

ارگان حزب دمکرات کوردستان ایران

تأمین حقوق ملی خلق کرده در چهارچوب ایرانی دمکراتیک و فدرال

شماره ۷۲۳ - جمعه ۳۱ فروردین ۱۳۹۷، ۲۰ آوریل ۲۰۱۸

۳۳ درصد ایران
زیر خط فقر و ۶ درصد
زیر خط گر سنگی

۳

جوانان کوردستان
همچنان ادامه‌دهنده
راه شهیدان‌اند

۲

پیام شانزدهمین کنگره
حزب دمکرات کوردستان
ایران خطاب به هم‌میهنان
عزیز به ویژه هم‌میهنان
فارسی زبان

۲



عرفان رهنمون
در مصاحبه با "کوردستان"

۷



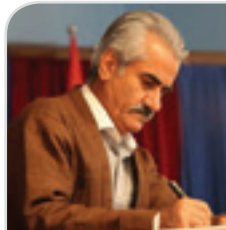
حمله به سوریه،
واکنشی با ابعادی مختلف

۶



قدرت در سایه و دولت

۵



مردم ایران
چرا ناراضی‌اند؟

۴

سفن

نان، آزادی،
کرامت انسانی

کریم پرویزی

"انسانی که در فقر ننگه داشته شده و انسانی که هویت قومی، دینی و یا ملی‌اش انکار می‌گردد و مورد هجوم سیاست آسمیلاسیون فرهنگی و تحقیر قرار گرفته و یا تحت ستم جنسی زندگی می‌کند، انسانی‌ست که کرامت‌اش از او سلب گردیده".

این بخشی از برنامه و اساسنامه حزب دمکرات کوردستان ایران است که در قسمت اصول فکری و سیاسی آن درج شده و در روزهای اخیر آشکارا شاهد نتایج چنین رفتارهای ضدبشری از سوی رژیم جمهوری اسلامی ایران هستیم.

رژیم اسلامی تهران، بر اساس تحقیر و توهین به انسان‌ها تاسیس شده و در چارچوب ایدئولوژی تمامیت‌خواه، سیاست و اعمال خود را به گونه‌ای تنظیم کرده که انسان، موجودی ضعیف و بی‌اراده می‌باشد که لازم است به مانند حیوان تا حد مقدور از آن بهره برد و به مانند حیوان نیز هرگاه سرکشی کرد باید با تازیانه با وی سخن گفت.

در این دیدگاه ضدبشری جمهوری اسلامی، آدمی هر چه از مرکز ایدئولوژی حکومت آمیخته با شونیسم دورتر می‌شود، بیشتر به مانند حیوان به نظر می‌آید. تنها انسان از منظر



رویدادها مرکز همکاری احزاب کوردستان ایران، بیانیه‌ای منتشر کرده که در آن علاوه بر حمایت از اعتراضات اخیر، آمده است: رژیم اسلامی ایران تحت عنوان مبارزه با کالای قاچاق، بر میزان خشونت علیه کولبران افزوده است. علاوه بر کشتن و زخمی کردن صدها کولبر و ضبط اموال آنان و از بین بردن اسب‌های کولبران، مستمرا در تلاش برای از بین بردن این تنها منبع درآمد هزاران کولبر فقیر و تهیدست بوده است. در این روزها نیز با بستن دوباره مرزها، قوانین گمرکی را به زبان واردکننده‌گان و فروشندگان تغییر داده است و این بار نیز به گونه‌ای دیگر زندگی این مردم را با تهدید جدی روبرو کرده است.

در بخش دیگری از این بیانیه آمده است: ما در حالی که به مقاومت و اراده‌ی شکست‌ناپذیر اعتصاب‌کنندگان درود می‌فرستیم از مردم شهر و مناطق دیگر کوردستان می‌خواهیم که به حمایت از اعتصاب شهرهای جوانرود، بانه، سقز، مریوان، سردشت و پیرانشهر بپردازند. تحقق کامل خواست‌های‌شان بر ادامه اعتصاب و اعتراض، مصر باشند.

این امر در حالی اتفاق می‌افتد که نماینده رژیم در مجلس -از سردشت و پیرانشهر- به خبرگزاری‌های محلی گفته است: برخی از مسئولین حکومتی باور نمی‌کنند که با بسته شدن مرزها، ۷۵هزار کولبر بیکار شده‌اند و ما را مسخره می‌کنند!

عصر روز چهارشنبه بیستم اردیبهشت، سعید جلیلی نماینده رهبر رژیم اسلامی در شورای عالی امنیت، برای پایان دادن به اعتصاب کاسبکاران و بازاریان وارد شهرهای در حال اعتصاب شد و هنگام سخنرانی در شهر بانه به علت اعتراضات گسترده مردم، سخنان خود را ناتمام رها کرد.

نماینده رهبر رژیم، از بازاریان خواست که به اعتصاب خود پایان دهند اما مردم به سخنان جلیلی اعتراض کرده و محل تجمع را نیز ترک کردند و سپس در مقابل مسجد جامع این شهر، شعار سر دادند.

در همین رابطه، فرماندار شهر بانه وعده داده بود که مشکل بازاریان را حل و فصل کند اما مردم به این وعده و وعیدها اعتنایی نکردند. در رابطه با این

سفره‌های خالی خود را یهن کرده‌اند. طی ماه‌های اخیر و بنابر حکمی صادره از سوی رژیم، مرزهای کولبری مابین کوردستان ایران و عراق، که منبع درآمد صدها هزار کاسبکار و دکاندار و کولبر می‌باشد، بسته شده و این امر به عامل بیکاری آن‌ها بدل شده است.

بنابر آخرین اخبار رسیده مزدوران رژیم، کاسبکاران و بازاریان را تحت فشار قرار داده‌اند و برآند که با زور و تهدید به این اعتصابات پایان دهند و دست از تعطیلی دکان و بازارها بردارند اما اعتصاب عمومی بدون اعتنا به این تهدیدات ادامه دارد و مردم آنرا "راسان آرام شهر" نامیده‌اند.

رژیم از ترس تظاهرات و گسترش این ناراضی‌ها، نیروی‌های اطلاعاتی و نظامی کبیری را در خیابان‌ها و کوچه‌ها، مستقر کرده و شرایطی کاملاً امنیتی و نظامی را بر شهرهای مذکور حاکم کرده است.

بر اساس اخبار رسیده، تاکنون بیش از ده نفر از معترضین و کاسبکاران بازداشت شده‌اند.

روز یکشنبه بیست‌وششم اردیبهشت، بازاریان شهرهای مرزی کوردستان، بانه و جوانرود جهت اعتراض به تعطیلی بازارچه‌های مرزی و افزایش تعرفه‌های گمرکی که به ادعای فعالین سیاسی در راستای سیاست‌های سرکوب ملت کورد تعریف می‌شود، دست به اعتصاب زدند و طی چند روز دامنه این اعتصابات گسترش یافت و هفت شهر دیگر کوردستان به این اعتراضات پیوستند.

در اکثر این اعتصابات به صورت سمبلیک و به نشانه اعتراض به سیاست‌های متخاصمانه علیه قشر ضعیف و فقیر در کوردستان، اعتصاب‌کنندگان سفره‌های خالی در خیابان‌های شهر یهن کرده و اعلام کردند: سفره‌های خالی ما نان می‌خواهد.

تا زمان انتشار این خبر، اعتصاب مردم و بازاریان هفت شهر کوردستان ایران، جوانرود، بانه، مریوان، سقز، سردشت، پیرانشهر و مه‌باد در اعتراض به بسته شدن مرزها ادامه دارد و مردم معترض در خیابان‌ها و کوچه‌ها و در مقابل فرمانداری،

تا زمان انتشار این خبر، اعتصاب مردم و بازاریان هفت شهر کوردستان ایران، جوانرود، بانه، مریوان، سقز، سردشت، پیرانشهر و مه‌باد در اعتراض به بسته شدن مرزها ادامه دارد و مردم معترض در خیابان‌ها و کوچه‌ها و در مقابل فرمانداری،

تا زمان انتشار این خبر، اعتصاب مردم و بازاریان هفت شهر کوردستان ایران، جوانرود، بانه، مریوان، سقز، سردشت، پیرانشهر و مه‌باد در اعتراض به بسته شدن مرزها ادامه دارد و مردم معترض در خیابان‌ها و کوچه‌ها و در مقابل فرمانداری،

تا زمان انتشار این خبر، اعتصاب مردم و بازاریان هفت شهر کوردستان ایران، جوانرود، بانه، مریوان، سقز، سردشت، پیرانشهر و مه‌باد در اعتراض به بسته شدن مرزها ادامه دارد و مردم معترض در خیابان‌ها و کوچه‌ها و در مقابل فرمانداری،

ادامه در صفحه‌ی ۲

پیام شانزدهمین کنگره حزب دمکرات کوردستان ایران خطاب به هم‌میهنان عزیز به ویژه هم‌میهنان فارس زبان



جوانان کوردستان همچنان ادامه‌دهنده راه شهیدان‌اند



در جهت تأمین خواست‌های همه‌ی مردم و ملیت‌های ایرانی است و ضروری است از سوی همگی مورد حمایت و پشتیبانی قرار گیرد.

سیاست جمهوری اسلامی ایران را که همواره توطئه شوم تفرقه‌اندازی و بی‌اعتمادی را در میان مردمان و ملیت‌های ایران تبلیغ و عملاً بکار می‌گیرد، باید با درایت و واقع بینی خنثی کرد و مبارزات آزادیخواهانه، حق طلبانه و عدالتخواهانه را در هر گوشه ای از ایران به عنوان سیاستی تاثیرگذار بر سرنوشت همه ایرانیان دانست و از آن حمایت کرد.

مبارزات هر یک از ملیت‌های ایران علیه هیچ یک از ملیت‌های دیگر نبوده و نخواهد بود، بلکه مبارزه علیه رژیم جمهوری اسلامی ایران در راستای تأمین خواست‌های همه ایرانیان است.

حزب دمکرات کوردستان ایران با چنین بینشی از مبارزات بر حق خود از همه هم‌میهنان خود انتظار دارد که بدور از نیت شوم رژیم، حامی و پشتیبان مردم کوردستان باشند که در واقع حمایت از خواست‌های خود آنان است.

به امید هبستگی سراسری در امر مبارزه با جمهوری اسلامی ایران و به امید پیروزی و تحقق خواست‌های انسانی‌مان.

حزب دمکرات کوردستان ایران کنگره شانزدهم

با درودهای خالصانه شانزدهمین کنگره حزب دمکرات کوردستان ایران که در روزهای اول تا چهارم اسفندماه ۱۳۹۶ خورشیدی برگزار گردید به شما هم‌میهنان گرامی درود می‌فرستد و همزیستی تاریخی ملیت‌های ایران را تحت حاکمیتی دمکراتیک و به دور از تبعیض آرزومند است. بررسی مسائل عمومی ایران و بحث‌های شانزدهمین کنگره و مصوبات منتج از این مباحث بر این اصل استوار بود که همه ما ایرانیان دارای سرنوشت مشترک بوده و برای رهایی از مظالم و رفتارهای ضدبشری جمهوری اسلامی ضرورت مبارزات مشترک و هم‌آوایی با همدیگر را بخوبی درک نموده و آن را رمز پیروزی همه ایرانیان از هر ملیت و پیروان هر ادیان و مذاهبی می‌داند.

مبارزات چند دهه حزب دمکرات کوردستان ایران در راستای تحقق دمکراسی برای ایران و تأمین حقوق ملیت‌های ایرانی در چارچوب ایرانی دمکراتیک و فدرال بوده که در آن از تبعیض ملی، مذهبی، جنسیتی و بی‌عدالتی اثری نبوده و مساوات و برابری و برادری، رفاه و امنیت برای همه‌ی مردم ایران تضمین و تأمین گردد.

بنابراین مبارزات حزب دمکرات کوردستان ایران و ملت کرد در کوردستان ایران

دمکرات کوردستان ایران، به مناسب پایان یافتن این دوره سخنانی را ایراد نمود. نیکجویان در سخنان خود گفت: "در کارزار تلاش و مبارزه، لازم است که هم‌فکران و هم‌سنگران، برای پیشرفت و آگاهیبخشی متقابل، حامی یکدیگر باشند و ما باید برای تعالی اراده و نیروی پیشمرگه و اعضای حزب در راستای ادامه این مبارزه،

پیشمرگه در کوهستان‌های کوردستان خاتمه یافت و بخشی دیگر از جوانان مبارز و آزادی‌خواه کوردستان به صفوف نیروی پیشمرگه، پیوستند. این مراسم با اجرای سرود ملی "ای‌رقیب" و یک دقیقه سکوت به نشان ادای احترام به شهیدان کوردستان آغاز شد. سپس سیدعزیز نیکجویان، از فرماندهان نظامی حزب

کوردستان میدیا؛ جمعی دیگر از جوانان مبارز کوردستان پس از گذراندن دوره آموزشی-مقدماتی پیشمرگه در کوهستان‌های کوردستان، به صفوف مبارزین آزادیخواه کوردستان پیوستند. بر اساس گزارش رسیده به وب‌سایت کوردستان میدیا، روز پنجشنبه، بیست و سوم فروردین ماه، دوره ۲۲۹ قدمتی

سرود تحت عناوین "سلاو بو پیشمرگه"، "سلاو پیشمرگه‌ی قاره‌مان"، "هم‌مومنان راه‌ریوین"، "گدل، خه‌بات ده‌که‌ین" توسط شرکت‌کنندگان دوره از سوی شرکت‌کنندگان دوره ۲۲۹ قدمتی پیشمرگه اجرا شد. این مراسم با نمایش حرکات نظامی شرکت‌کنندگان پایان یافت.

سخت کوشش نماییم. در بخش دیگری از مراسم، ماموستا شریف فلاح با شعری تحت عنوان "شهنکه‌سوار" پیوستن این جوانان را به صفوف نیروی پیشمرگه گرامی داشت. همچنین پیام آموزشی دوره از سوی "هیوا میرزایی" و پیام دوره از سوی "کوردیار کریمی" قرائت شد.

در میانه این مراسم چند شعر و به منظور زهر چشم گرفتن از مردم به جان آمده، همانگونه که از کشتار معترضین در زیر شکنجه خودداری نورزیده است، قصد دارد از اعدام زندانیان سیاسی نیز تردید بدل راه ندهد.

ما از کلیه‌ی مراکز و نهادها و مجامع بین‌المللی می‌خواهیم به یاری خانواده‌ی رامین حسین‌پناهی و فراخوان فعالان کوردستان ایران بشتابند. خواست عاجل ما از آن‌ها این است که با محکوم کردن تایید حکم اعدام رامین حسین‌پناهی و تحت فشار قراردادن رژیم ایران در این رابطه، از اعدام این جوان کورد مبارز پیشگیری نمایند. در عین حال خواست و انتظار ما اینست که توجه ویژه‌ای برای افرادی که در پی تظاهرات و اعتراضات چند ماه گذشته توسط دستگاه‌های

مرکز همکاری احزاب کوردستان، از مجامع بین‌المللی خواست تا مانع از اجرای حکم اعدام "رامین حسین پناهی" شوند

یکبار تشکیل جلسه داد! همان هنگام صدور حکم ظالمانه‌ی اعدام علیه رامین حسین‌پناهی موجب تعجب وکیل نامبرده، حسین احمدی‌نیاز و تمامی نهادها و فعالان مدافع عدالت و حقوق‌بشر در کوردستان و ایران گشت.

تایید حکم اعدام این زندانی سیاسی کورد از سوی "دیوان عالی کشور" مؤید این واقعیت است که رژیم جمهوری اسلامی ایران پس از گسترش اعتراضات سراسری ایران و به ویژه برپاشدن تظاهرات متعدد، تنها

حسین‌پناهی را مورد تأیید قرار داد. حکم اعدام رامین حسین‌پناهی، روز پنجشنبه ۲۵ ژانویه ۲۰۱۸ میلادی از سوی به اصطلاح "دادگاه انقلاب" در شهر سنجندج بر این زندانی سیاسی کورد تحمیل گشت. این حکم در حالی علیه رامین صادر شد که نامبرده کلیه‌ی مراحل بازجویی و تکمیل پرونده را در حالی که مجروح بود و تحت آزار و شکنجه، سپری کرده بود. این به اصطلاح دادگاهی هم که به منظور محاکمه‌ی نامبرده برپا شده بود، تنها

کوردستان میدیا؛ مرکز همکاری احزاب کوردستان، با انتشار بیانیه‌ای خواستار واکنش بین‌المللی و تلاش برای پیشگیری از اجرای حکم اعدام "رامین حسین پناهی" شد.

متن کامل بیانیه:
اجازه ندهید رژیم ایران جان یک زندانی سیاسی دیگر را بستاند!
هفته‌ی گذشته، "دیوان عالی کشور" حکم ظالمانه و ناروای اعدام در خصوص زندانی سیاسی کورد، رامین

ادامه سخن

این دیدگاه، ولی‌فقیه می‌باشد و آن‌هایی هم که به او نزدیک‌اند شبه انسانند! غیرفارس، فقیر و تنگدست و غیرشیعه ولایت فقیه‌ی، از دیدگاه ولی فقیه چون حیوان با آنان برخورد می‌کنند. چهار دهه حاکمیت جمهوری اسلامی مملو از توهین به ملیت‌های غیرفارس است و سرشار از استثمار انسان و لبریز از غارت و به تاراج بردن ثروت کشور و پرداخت بهای حمایت و اشاعه تروریسم و خودسری‌های رژیم از جیب قشر فقیر و تنگدست، در حالی که سران رژیم در کانادا، سوئیس، بریتانیا، اسپانیا و آلمان ویلا و هتل خریداری می‌کنند.

تبعیض و ستم علیه زن، دگراندیشان، ملیت‌های غیر فارس، آئین‌های غیر شیعه ولایت فقیه‌ی و علیه تمام انسان‌هایی که خود را دارای هویت و شخصیتی بدانند، در طول حاکمیت رژیم اسلامی ایران، اعمال شده است و نتیجه تداوم این حکومت، توهین به کرامت تمام انسان‌هایی می‌باشد که در چارچوب جغرافیایی به نام ایران زندگی می‌کنند و این رژیم با بهره‌مندی از پول نفت و سوداگری با تجار خون در اروپا، کانادا، آمریکا، روسیه، چین و... هزینه‌های سپاه ترورستی پاسداران را تأمین می‌کند و با آن به سرکوب مردم می‌پردازد.

در چنین سیستمی‌ست که مردم در قم و اصفهان به خیابان‌ها می‌ریزند و تصاویر خامنه‌ای را به آتش می‌کشند! و در تهران درآویش با حکومت خمینی درگیر می‌شوند و زنان خسته از ستم‌های اعمال شده بر آنان، روسری‌های‌شان را دور می‌اندازند و با آن عرش حاکمیت ولایت فقیه را، به لرزه در می‌آورند.

در بی تداوم حاکمیت چنین سیستمی می‌باشد که شهرهایی همچون بانه، جوانرود، سردشت و پیرانشهر که تا دیروز به قطب بازرگانی مشهور بودند، حال شاهد حضور صدها معترض در خیابان‌ها هستند که سفره‌های خالی خود را به نمایش می‌گذارند.

رژیم و سیستمی که به کرامت انسان توهین می‌کند، حال چه با فقیر نگه داشتن مردم و یا انکار هویت ملی آنان و یا ظلم جنسیتی یا آئینی، در واقع هیچ قصدی برای تأمین رفاه و آسودگی مردم، در سر ندارد و نهایتاً تمام آنانی که به کرامت‌شان توهین شده به پا خواهند خواست و این کاخ ظلم و ستم را ویران خواهند کرد.

۳۳ درصد ایران زیر خط فقر و ۶درصد زیر خط گرسنگی



فقر مطلق برای یک خانواده چهار نفره شهری حدود چهار میلیون تومان است و با این مینا ۳۳ درصد - ۲۶ میلیون نفر - جمعیت کشور دچار فقر مطلق و شش درصد زیر خط گرسنگی هستند. محاسبه ۴ میلیون تومان برای خط فقر در شرایطی انجام می‌شود که حداقل دستمزد ماهانه کارگران یک میلیون و ۱۱۰ هزار تومان تعیین شده است. قابل ذکر است که وزارت رفاه و تأمین اجتماعی از سال ۸۴ به بعد از اعلام شمار فقیران

حسین راغفر، محقق و استاد دانشگاه که به پژوهشگر حوزه فقر نیز معروف است، روز شنبه هجدهم فروردین‌ماه، طی مصاحبه‌ای با خبرگزاری حکومتی ایسنا اظهار داشت: از نظر دولت خط فقر مطلق برای یک خانواده پنج نفره ۷۰۰ هزار تومان است، که این مبلغ حتی تأمین‌کننده غذای آنان نیست.

او آمار ارائه شده از سوی دولت را تحریف واقعیات خواند و متذکر شد: بر اساس محاسبات دقیق و علمی، خط

نیمی از اعدام‌های جهان در ایران روی می‌دهند

اعدام‌ها در جهان خبر می‌دهد. با این حال کشورهای ایران، عربستان و عراق بیشترین آمار اعدام در جهان را به خود اختصاص داده‌اند. در این گزارش به کاهش چهار درصدی اجرای اعدام‌ها و کاهش شانزده درصدی صدور احکام اعدام در جهان اشاره و نیز در بخشی از این گزارش به

بنابر تازه‌ترین گزارش سازمان عفو بین‌الملل در رابطه با اعدام در کشورهای جهان، از اعدام حدود هزار زندانی در سراسر جهان در سال ۲۰۱۷ خبر داده است که بیش از ۵۰۰ نفر از این افراد در ایران اعدام شده‌اند. گزارش مذکور که روز پنج‌شنبه بیست‌وسوم فروردین‌ماه منتشر شده از کاهش چشمگیر تعداد

کشف تخلف ۱۵ هزار میلیارد تومانی تنها در تحقیقات اولیه از صندوق ذخیره فرهنگیان



کوچکی نژاد متذکر شد: صندوق ذخیره فرهنگیان نزدیک به ۵۰ شرکت مختلف داشته باشد و احتمال دارد، تخلفات بیشتری صورت گرفته باشد. صندوق ذخیره فرهنگیان بیش از ۸۰۰ هزار عضو وابسته به وزارت آموزش و پرورش دارد و از سپرده‌های ماهیانه

جبار کوچکی‌نژاد، رئیس کمیته تحقیق و تفحص از صندوق ذخیره فرهنگیان، روز پنج‌شنبه بیست‌وسوم فروردین‌ماه در سخنانی اظهار داشت: در نتیجه‌ی تحقیقات اولیه، مشخص شد که میزان تخلف از این صندوق پانزده هزار میلیارد تومان می‌باشد.

برنامه‌های مغزشویی و تربیت نسل سرسپرده، همچنان ادامه دارد

جدی بردارند. او که روز دوشنبه بیست‌وهفتم فروردین‌ماه به ایراد این سخنان پرداخت گفت: تعداد دانش‌آموزان رشته معارف اسلامی در مقایسه با دانش‌آموزان مقطع متوسطه اندک و خلاء بزرگی محسوب می‌شود. رشته تحصیلی و مدارس معارف اسلامی که با هدف پرورش، انتشار و نهادینه کردن افکار بنیادگرایانه و تروریستی در ذهن نوجوانان کوردستان و ایران، در سال ۱۳۸۱ تاسیس شد، بنابر اظهارات رئیس

رئیس سازمان تبلیغات اسلامی طی حکمی، دستور داد تا مدارس معارف اسلامی گسترش و توسعه یابد. مهدی خاموشی رئیس سازمان تبلیغات اسلامی، در سخنانی به کم توجهی برخی نهادهای جمهوری اسلامی به گسترش مدارس معارف اسلامی، در شهرهای کوردستان و ایران معترض شد و اظهار داشت: رشته معارف اسلامی نباید عقب بماند. او متذکر شد: همه نهادها برای توسعه این مدارس گام‌های

تحریم‌های حقوق بشری اتحادیه اروپا علیه مقام‌های ایرانی، تمدید شد



محسنی اژه‌ای، معاون اول رئیس قوه قضاییه، از جمله افرادی هستند که در فهرست تحریمی اتحادیه اروپا قرار دارند. در همین رابطه، خبرگزاری رویترز از ایجاد دودستگی در اتحادیه اروپا در رابطه با اعمال تحریم‌های بیشتر علیه ایران برای متقاعد ساختن دونالد ترامپ جهت ماندن در

مخابراتی به کار گرفته‌شود نیز از سوی اتحادیه اروپا تحریم شده‌بود. محمدعلی جعفری، فرمانده سپاه، حسن فیروزآبادی، رئیس پیشین ستاد کل نیروهای مسلح، علی سعیدی، نماینده پیشین ولی فقیه در سپاه، حسین طائب، رئیس سازمان اطلاعات سپاه پاسداران، صادق لاریجانی، رئیس قوه قضاییه، غلامحسین

اعضای اتحادیه اروپا با صدور بیانیه‌ای در واکنش به آنچه که نقض حقوق بشر در ایران نامیده می‌شود تحریم‌هایی را که ۸ سال پیش وضع کرده بود، تمدید کرد. این تحریم‌ها شامل مسدود کردن دارایی ۸۲ فرد و یک نهاد است. علاوه بر این، فروش تجهیزات که می‌تواند برای سرکوب داخلی یا رصد ارتباطات

بار دیگر شهرهای کوردستان شاهد اعتصاب بود

تروریستی ایران این اعتصاب شکسته شد. در همین رابطه آژانس خبرسانی کردپا طی گزارشی اختصاصی در این رابطه اعلام کرد: معیشت بسیاری از مردم شهرهای مختلف کوردستان وابسته به مرزها می‌باشد که مدتیست به دلایل نامعلومی، بسته شده‌اند.

فروردین ماه، بازاریان و دکانداران شهرهای سقز، جوانرود و مریوان با تعطیل کردن دکان و بازار خواستار گشایش دوباره مرزها شدند. همچنین شنبه پنجم اسفند ۱۳۹۶ نیز، بازاریان پیرانشهر و بانه به منظور اعتراض نسبت به بسته شدن مرزها دست به اعتصاب زدند که در پی فشار نیروهای اطلاعاتی-

بنابر گزارشات رسیده به وپسایت کوردستان میدیا، بازاریان شهرستانهای جوانرود و بانه امروز یکشنبه، بیستوششم فروردین‌ماه، در اعتراض به اوضاع آشفته اقتصادی و بسته شدن دوباره مرزها، برای چندمین بار طی یک ماه گذشته، دست به اعتصاب زدند. روز سهشنبه چهاردهم

هجوم موشکی به پایگاه هوایی سوریه

زده، صحیح نیست. پنتاگون، وزارت دفاع آمریکا نیز در بیانیه‌ای گفته در این بازه زمانی حمله هوایی به سوریه انجام نداده‌است؛ وزارت دفاع آمریکا، گزارش‌های رسانه‌های دولتی سوریه در مورد نقش آمریکا در این حملات را رد کرده است.

در همین رابطه وزارت دفاع آمریکا در بیانیه‌ای گفته در این مقطع زمانی حمله هوایی در سوریه انجام نداده است. همچنین این خبرگزاری به نقل از چند مقام دولتی ایالات متحده گفته‌اند خبرها در مورد این‌که ارتش آمریکا دست به حمله موشکی علیه پایگاه هوایی در سوریه

خبرگزاری بین‌المللی رویترز به نقل از تلویزیون دولتی سوریه اعلام کرد هشت موشک به پایگاه هوایی تی-۴ در استان حمص شلیک شده و سامانه پدافندی این پایگاه نیز فعال شده‌است. بنابر این گزارش بخشهای اصلی و حساس این پایگاه به طور کلی نابود شده است.

مردم ایران چرا ناراضی‌اند؟

مصطفی مبرز

اعتراضات مردم ایران از رژیم جمهوری اسلامی در دیماه سال گذشته در شکل عمومی آن حدود یکصد شهر را در بر گرفت، حداقل هزینه این خیزش جمعی برای مردم، دستگیری و زندانی کردن هزاران نفر، کشته شدن ۲۵ نفر(به گفته مسئولین رژیم) بر اثر سرکوب مردم تظاهرکننده توسط نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی و کشته شدن ۵ نفر از دستگیرشدگان تحت شکنجه در زندان‌ها بوده است.

اما هزینه این اعتراضات مردمی برای رژیم از نظر سیاسی، فرهنگی و اجتماعی در داخل و خارج سنگین‌تر از آن بود که قابل جبران باشد. هدف این نوشتار پرداختن به چگونگی و ارزیابی این هزینه‌ها نیست، زیرا این بحث خود "سر دراز دارد" و گفتار و مقالات جداگانه‌ای را می‌طلبد، بلکه هدف نویسنده این نوشتار پرداختن به پاسخ این سؤال است که "مردم ایران چرا ناراضی‌اند؟".

پاسخ دقیق به این سوال از این جهت حائز اهمیت است، که سران رژیم و عوامل رنگارنگ آنها آگاهانه و به منظور کم اهمیت جلوه دادن این خیزش، همچون روال گذشته سعی در به بیراهه کشاندن افکار عمومی داشته‌اند و، گروهی دیگر ناآگاهانه و تحت تأثیر موج وسیع تبلیغاتی رژیم که از طریق هزاران تربیون مساجد، کانال‌های تلویزیونی، رادیو، روزنامه و مراکز فکری و تبلیغی که به بمباران فکری مردم می‌پردازند، به شیوه‌ای دیگر در راستای اهداف رژیم

گام بر می‌دارند، این در حالی است که هیچ رسانه‌ی آزاد و مستقلی در این کشور وجود ندارد که در برابر این امواج نیرومند مردم را با پاسخ حقیقی این پرسش آشنا سازد.

این رژیم از همان روزهای آغازین برسرکار آمدنش با همه توان کوشید تا از ایران دوزخی برای مردمانش بسازد که غیرقابل تصور بود، و الحق کوشش‌ها و برنامه‌هایش طی چهل سال گذشته در راستای تبدیل ایران به جهنم کاملاً موفق بوده است. یکی از این برنامه‌ها به نابودی و ویرانی کشاندن اقتصاد ایران بود. تنظیم دقیق سیاست‌های داخلی و هماهنگ کردن سیاست‌های خارجی جهت دشمن‌تراشی و صرف کردن درآمدهای فراوان کشور در راستای تحقق ایدئولوژی بلندپروازانه توسعه‌طلبی‌هایش در رسیدن به رهبری جهان اسلام"صرفنظر از فساد لجام گسیخته حکومتی" توانست مردم را از نان سفره‌شان نیز محروم سازد. رژیم در پیشبردن این سیاست اقتصادی به دنبال این هدف بود که نان مردم را نیز در دستان خود داشته باشد تا به این ترتیب همه آنهایی را که با سیاست‌های

رژیم زاویه دارند تهدید به قطع نان‌شان کند و، از این راه لشکر نیروهای سرکوبگر خود در داخل و، نیروهای اشغالگر و مداخله‌جویش را در خارج تحت عناوین سپاه پاسداران، بسیج و ... روز به روز فراوان‌تر نماید، زیرا در ام القرای اسلامی ایران این اقشار نه تنها دستشان به دهانشان می‌رسد بلکه درغارت و چپاول اموال عمومی فساد و رانت‌خواری آزاد گذاشته شده‌اند.

این اقتصاد ویران که رژیم آنرا اقتصاد اسلامی! می‌پندارد تنها بخشی از معضل مردم ایران است که روزانه با آن دست به گریبانند و هر روز بر وخامت آن افزوده می‌شود.

بجز مشکل اقتصادی، این رژیم هزاران مشکل دیگر برای مردم فراهم آورده است که هر کدام از آنها کم اهمیت‌تر از مشکل اقتصادی برای آنان نیستند، به طوری که بنیاد جامعه ایران را از هم پاشانده است.

یکی دیگر از این مشکلات، گسترش اعتیاد به عنوان یک آسیب اجتماعی عمده است. تیرماه سال ۱۳۹۶ از قول پرویز افشار سخنگوی ستاد مبارزه با مواد مخدر شمار معتادانی که مصرف کنندگان مستمر مواد مخدر در کشور ۲ میلیون و ۸۰۸ هزار نفر اعلام شد.

مطابق تحقیقات وزارت بهداشت که نتیجه آن ۱۹ فروردین ۱۳۹۶ اعلام شد نزدیک به ۲۴درصد مردم ایران دچار مشکلات روانی هستند، خبرگزاری ایرنا از قول معاون وزیر بهداشت نقل کرده است که ۶ میلیون و ۳۰۰ هزار نفر دچار افسردگی هستند، بررسی‌های این وزارتخانه حاکی از آن است که ۶/۲۳ درصد ایرانیان

دچار اختلالات روانی هستند و در مجموع ۷/۱۲ درصد جمعیت ۱۵ تا ۶۴ سال در ایران از افسردگی رنج می‌برند.

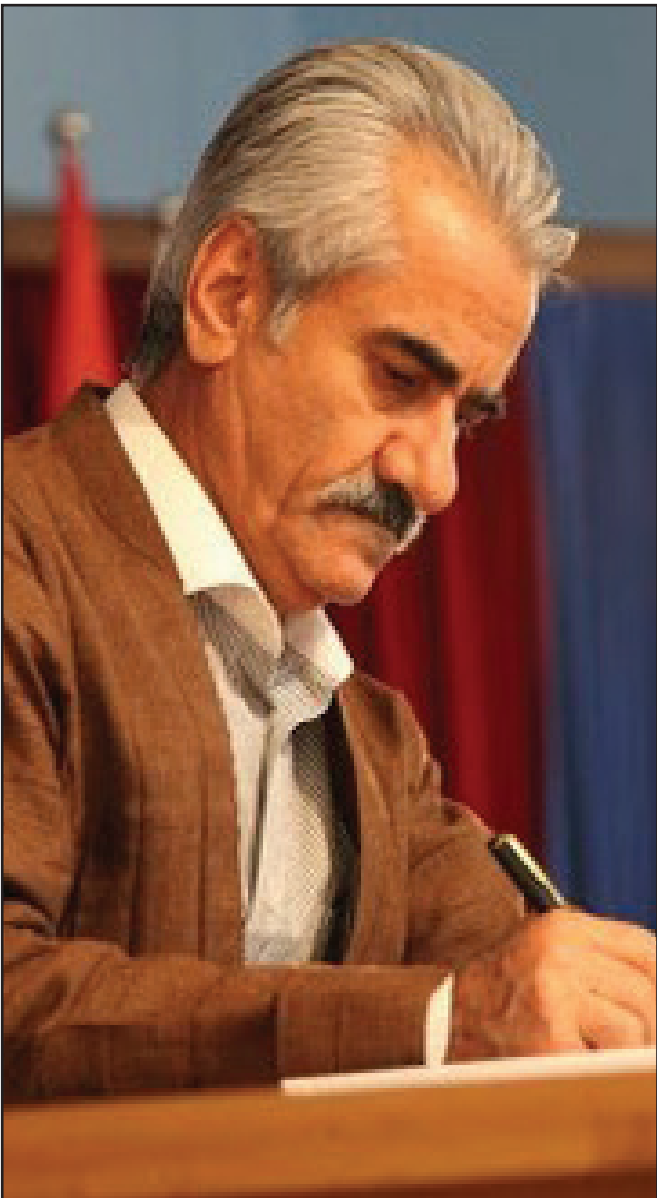
مطالعات دانشگاه علوم پزشکی تهران در سال‌های ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۷ نشان می‌دهد که میزان شیوع اختلال‌های روانی در میان مردم ایران در فاصله این ۹ سال ۶۰ درصد افزایش پیدا کرده و به بیش از ۳۴ درصد رسیده است.

همزمان با گسترش معضلات اجتماعی در ایران، فساد دستگاهها و مراکز حکومتی و مسئولین رده بالای کشور نیز سیر صعودی داشته است، احمد توکلی نماینده مجلس شورای اسلامی که زمانی ریاست مرکز پژوهش مجلس را هم برعهده داشته است از رسیدن جمهوری اسلامی به " مرحله فساد سیستماتیک" سخن به میان آورده است وی تاکید نموده است که "نهادهای مسئول مبارزه با فساد، خودشان مبتلا به فساد هستند". مرکز بین‌المللی شفافیت اقتصادی نیز ضمن تحقیق در وضعیت ۱۷۷ کشور در سال گذشته ، جمهوری اسلامی را به لحاظ فساد اقتصادی و اداری در جایگاه ۱۴۴ قرار داده است.

به همین متوال می‌توان شمار دیگر بسیاری را به لیست ناپسامانی‌ها و مشکلات مردم ایران افزود که برآمد سیاست‌ها و برنامه‌ی داخلی و خارجی رژیم جمهوری اسلامی بوده‌اند و حاصل آن برای مردم عبارت بوده است:

۱- رشد سریع آمار خود کشی، خبر آنلاین روز ۲۸ آبان ماه سال ۱۳۹۶ نوشت "خودکشی در ایران به شکل عجیبی در حال افزایش است، پرونده‌های اقدام به خودکشی

کوردستان



اکنون این مردم بعد از دهه‌های متمادی راه چاره‌رهایی خود از این دوزخ را به درستی در سرنگونی رژیم می‌بینند.

بنابراین علت ناراضی بودن مردم از این رژیم دارای ابعاد فراوانی منجمله نبود آزادی، سرکوب و اجحاف شدید علیه اقلیت‌های دینی و مذهبی، سرکوب و تحقیر ملیت‌های غیرفارس، چپاول و غارت منابع آبی و زیرزمینی مناطق حاشیه‌ای ایران، و ستم‌های بی‌شمار دیگر این رژیم علیه مردمان ایران است و معضل اقتصادی تنها یک بعد آن است که رژیم درصدد است تا با برجسته کردن آن ، سایر ابعاد ناراضیاتی‌ها را لاپوشانی کند، ولی مردم را نمی‌توان برای همیشه فریب داد.

از سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴ (طی ۵ سال) افزایش ۶۶ درصدی در میان زنان و ۷۱ درصدی در میان مردان داشته است. در حال حاضر ایران رتبه اول خودسوزی زنان در خاورمیانه را دارد (نشریه جهان صنعت ۱۴ خرداد ۱۳۹۶).

۲- رخت بر بستن شادی از میان مردم و تبدیل آن به جامعه‌ای خشن و پرخاشگر. سازمان پزشکی قانونی ایران در دی ماه ۱۳۹۵ اعلام کرد که طی ۸ ماه اول این سال بیش از چهارصد هزار زخمی به مراکز این سازمان مراجعه کرده‌اند که همگی بر اثر جنگ و برخورد با یکدیگر بوده است.

این همان دوزخی است که رژیم جمهوری اسلامی برای مردم فراهم ساخته است،

نشست اعضای اتحادیه کشورهای عرب با هدف اتحاد در برابر ایران و اورشلیم

۱۱۶ موشک به سمت پادشاهی عربستان شلیک کرده‌اند.

این نشست در شهر ظهران در منطقه نفت‌خیز شرق عربستان برگزار شد. انتخاب این مکان احتمالاً بر این مبنا بوده که از تیر رس موشک‌های حوثی‌ها که عموماً ریاض پایتخت و شهرهای جنوبی را هدف قرار می‌دهند، در امان باشد.

عربستان سعودی و ایران، درگیر جنگ‌هایی نیابتی در یمن و سوریه هستند، این در حالی‌ست که آن‌ها همچنین از گروه‌های متخاصمی در کشورهای لبنان، بحرین و عراق نیز حمایت می‌کنند. این نشست در سال جاری پس از حمله موشکی ایالات متحده آمریکا، انگلیس و فرانسه در روز شنبه به سایت‌هایی مرتبط با برنامه سلاح‌های شیمیایی دولت سوریه برگزار شد. بشار اسد و متحد نزدیک او دولت روسیه استفاده از سلاح‌های شیمیایی توسط نیروهای اسد

ترجمه: رپیوار کرماشانی

عربستان در گردهمایی سالانه رهبران عرب در روز یکشنبه تمام تلاش خود را بر ایجاد وحدت در میان اعضای این نشست به منظور پیشبرد موضع یکپارچه علیه ایران، رقیب منطقه‌ای که به عنوان پشتیبانی اصلی منطقه‌ای ارتش سوریه و یمن شناخته می‌شود، به کار گرفت.

قدرت در سایه و دولت

آگری اسماعیل نژاد

● بفش اول

دولت دوم روحانی اولین فروردین خود را با چالش ارزی شروع کرد، دولتی که هنوز یک سال از عمر آن نگذشته است، اما حداقل در سطح داخلی با دو چالش بزرگ روبرو گردید، نکته حائز اهمیت در این دو چالش، مساله اشاره به حضور مستقیم سپاه پاسداران و عوامل اصولگرا(قدرت در سایه) در شکل‌گیری این چالش‌ها است، این موضوع از چنان اهمیتی برخوردار است که در مورد جریانات دی‌ماه ۱۳۹۶، احمد علم الهدی ناچار شد، طی نامه‌ای به "شورای عالی امنیت ملی" ایران نقش احتمالی خود را تکذیب کند .

در مورد چالش دوم نیز اسحاق جهانگیری، معاون اول حسن روحانی، در صدا و سیما جمهوری اسلامی به حضور عوامل داخلی در چالش ارز، اشاره کرد و مصطفی تاجزاده در توییتری از چالش ارز به عنوان نقطه عطف در تقابل دولت در سایه با دولت حسن روحانی نام برد.

سوال اساسی در این نوشته این است: آیا دولت یا قدرت در سایه خواهان حضور در دولت است؟

این سوال را در دو سطح بحث و بررسی می‌کنیم.

سطح اول:

در سطح رسمی، محمد خاتمی، پس از ابوالحسن بنی‌صدر، اولین رئیس‌جمهوری بود که با "تدارکاتچی" خواندن خود غیره مستقیم به قدرت در سایه اشاره کرد، پس از آن قدرت در سایه موجود در ایران توسط رئیس‌جمهورهای، جمهوری اسلامی با لفظ‌های مختلفی مورد طعنه و تشر قرار گرفت

و در موارد نادری نیز، تهدید محسوب شد.

تاکنون "دولت پنهان"، "برادران قاچاقچی خودمان" و "دولت بی تفنگ" از اسمائی بوده است که همگی آن‌ها اشاره به قدرت در سایه موجود در نظام جمهوری اسلامی دارد.

سوال در این سطح این است "منظور از قدرت در سایه یا دولت در سایه چیست"؟!

ساختار قانونی جمهوری اسلامی هم در سطح اجرایی و هم در سطح قانون گذاری در دوگانگی انتخاب-انتصاب قرار دارد و باتوجه به اینکه از لحاظ قانونی تفکیکی در اختیارات نهادهای انتخابی و انتصابی نشده است، در واقع قدرت در سایه در قانونی‌ترین اسمش، همان نهادهای انتصابی موجود در ساختار قانون اساسی جمهوری اسلامی است،

یعنی نهادهای مانند رهبری، مجمع تشخیص مصلحت نظام، شورای نگهبان، شورای عالی فرهنگی و شورای عالی امنیت ملی، قدرت در سایه محسوب می‌شوند.

یکی از دلایل ساده اما مهم که سبب می‌شود نهادهای انتصابی به قدرت در سایه تبدیل شود، فساد ساختاری موجود در جمهوری اسلامی است. یعنی نهاد انتصابی به آن ملات فساد اضافه شده و نتیجه آن شکل‌گیری قدرت در سایه است.

جدا از ملات فساد، ساختار قانون اساسی جمهوری اسلامی و تناقضات موجود در آن و همچنین وجود نهادهای موازی در این ساختار از عوامل اساسی برای تبدیل نهادهای انتصابی به قدرت در سایه است.

در این میان می‌توان از مسائلی مانند عدم حاکمیت قانون، آزادی بیان، کنترل رسانه رسمی توسط نهادهای انتصابی و امحاء جامعه مدنی توسط

عوامل امنیتی بحث نمود و برای آنکه نهاد یا نهادهای انتصابی به قدرت در سایه تبدیل نشوند باید موارد نقض شده در فوق احیا گردد. شکی نیست که عدم وجود آن‌ها سبب آن می‌گردد تا در فاصله زمانی کوتاهی و نیز با آسودگی بیشتر یک نهاد انتصابی به قدرتی در سایه تبدیل گردد. اما این تمامی ماجرا نیست، چون اساسا در هر ساختاری مجموعه‌ای از نهاد انتصابی وجود دارد، و اصولا در ساختارها دموکراتیک این نهادها به قدرت در سایه تبدیل نمی‌شوند.

اگر واقعیت و ماهیت قدرت در سایه جمهوری اسلامی را بنگریم کلیت قدرت در سایه موجود در رژیم جمهوری اسلامی بسیار بیشتر از وجود چند نهاد انتصابی است و جدا از این مساله، قدرت در سایه خود نهادهای انتصابی را نیز اداره می‌کند مگر جز این است که حذف درون رژیمی در نهادهای انتصابی نیز وجود دارد؛ پس قدرت در سایه در واقع قدرتی بالاتر از قدرت نهادهای انتصابی است و این نهادهای را نیز تسخیر کرده و در راستای منافع خود بکار می‌برد.

مشخص است که تنوع لقب‌هایی که به قدرت در سایه، توسط رئیس‌جمهورها مختلف داده شده است خود یکی از نشانه‌های وسعت قدرت در سایه و اختاپوسی عمل کردن آن است. برای مثال قدرت در سایه توسط محمود احمدی نژاد "برادران قاچاقچی" خوانده می‌شود و در همان سخنرانی احمدی‌نژاد به آن اشاره دارد که قدرت در سایه اسکله، مرز و کانال ورودی و خروجی مختص به خود را دارد که این معابر اقتصادی از هیچ قانونی حتی قانون مصوب خودشان تبعیت نمی‌کنند و از هیچ

نظارتی نیز برخوردار نیستند. یا در مساله چالش ارزی و سقوط ارزش ریال حسام آشنا، مشاور حسن روحانی در کانال تلگرامی خود می‌نویسد: "مردم و دولت نه تسلیم بحران سازی اجتماعی دی ماه شدند و نه تسلیم بحران سازی اقتصادی، ارتباطی و اطلاعاتی اردیبهشت می‌شوند. ساعت پایتخت ایران هرگز به وقت شام تنظیم نخواهد شد."

پس با یک تحلیل سرانگشتی باید اظهار کرد که مساله قدرت در سایه از قدرت چند نهاد انتصابی و یا جهت‌گیری چند نهاد انتصابی علیه نهادهای انتخابی خارج است و مساله فرافانونی عمل کردن، مدیریت قدرت در راستا گروهی خاص حتی در نهادهای انتصابی است. در چنین شرایطی باتوجه به ضیق اسناد ناچارا باید با توجه به وضعیت موجود و رودپداها حداقل دو دهه گذشته بر اساس تحلیل به ساختار قدرت در سایه موجود در جمهوری اسلامی و آدرس این قدرت دست یافت.

در این زمینه یکی از مستندات می‌توان از طریق آن به این ساختار دست یافت، نامه مهدی کروبی به علی خامنه‌ای در ۲۹ خرداد ۱۳۸۴ است. وی در این نامه به عنوان یکی از کاندیداهای ریاست جمهوری

در دوره نهم ریاست جمهوری ایران، مجتبی خامنه‌ای را به دخالت در نتایج انتخابات محکوم می‌کند . مهدی کروبی در این نامه می‌نویسد: "من در شرایطی وارد عرصه مبارزات انتخاباتی شدم که عزمی یکپارچه را برای منصرف کردن و تغییر دادن تصمیم خود مشاهده می‌کردم. نهادهای مختلف قدرت با ارائه نظرسازی‌های بسیار شبیه به هم اینجانب را فاقد پایگاه مردمی جلوه می‌دادند و کسانی در دستگاه‌های مختلف حکومتی برای ایجاد نگرانی در من تلاش می‌کردند.

از عده‌ای در دفتر ریاست‌جمهوری تا بعضی از وابستگان به بیت مکرّم حضرت امام تا گروهی در وزارت اطلاعات و وزارت کشور و حتی(به قرار مسموع) برخی از نزدیکان حضرتعالی با تأثیرپذیری از نظرسازی‌های قلابی ترجیع‌بند محافل خاص در مورد عدم اقبال مردم به من تکرار می‌کردند و حتی متأسفانه تعداد زیادی از استانداران در محافل خصوصی و عمومی از تصمیم من ابراز تعجب می‌کردند و حتی استاندار لرستان از رای ۷ درصدی من در میان مردم لرستان سخن گفت." کروبی در نامه خود از رفتار شورای نگهبان در اعلام نتایج



آرای مرحله اول دوره نهم به عنوان "کودتا" نام می‌برد و در ادامه می‌نویسد: "در عین حال امام در برابر نخستین نشانه‌های دخالت غیرقانونی آن شورا در انتخابات ایستاد و اکنون نیز اینجانب از شما تقاضا دارم برای نجات انقلاب، اسلام و کشور از تبعات دخالت‌های غیرقانونی بخشی از سپاه و نیز توقف روش‌های بدعت‌آمیز شورای نگهبان، دستور لازم را صادر فرمایید."

وی در نامه خود ضمن اشاره به حمایت مجتبی خامنه‌ای فرزند علی خامنه‌ای می‌نویسد: "به‌رغم شفافیت مواضع جنابعالی، اخباری مبنی بر حمایت فرزند محترم شما – آقا سید مجتبی – از یکی از کاندیداها منتشر شد که پس از به تواتر رسیدن این اخبار نگران شدم که مبادا این موضوع مرتبط با دیدگاه حضرتعالی باشد اما تجربیات سابق و شناختی که از شما داشتم مرا مطمئن کرد که این موضوع، نظر شخصی ایشان است. پس از آن هم شنیدم که یکی از بزرگان به جنابعالی گفته‌اند که "آقا‌زاده حضرتعالی از فلان شخص حمایت می‌کند" و شما فرموده‌اید "ایشان آقا است نه آقا‌زاده" و به هر حال مشخص شد که آن حمایت‌ها نظر شخصی آقا مجتبی بوده است."

هجوم موشکی به پایگاه هوایی سوریه

همچنین این خبرگزاری به نقل از چند مقام دولتی ایالات متحده گفته‌اند خبرها در مورد این‌که ارتش آمریکا دست به حمله موشکی علیه پایگاه هوایی در سوریه زده، صحیح نیست.

پنتاگون، وزارت دفاع آمریکا نیز در بیانیه‌ای گفته در این بازه زمانی حمله هوایی به سوریه انجام نداده‌است؛ وزارت دفاع آمریکا، گزارش‌های رسانه‌های دولتی سوریه در مورد نقش آمریکا در این حملات را رد کرده است.

حمص شلیک شده و سامانه پدافندی این پایگاه نیز فعال شده‌است. بنابر این گزارش بخشهای اصلی و حساس این پایگاه به طور کلی نابود شده است.

در همین رابطه وزارت دفاع آمریکا در بیانیه‌ای گفته در این مقطع زمانی حمله هوایی در سوریه انجام نداده است.

خبرگزاری بین‌المللی رویترز به نقل از تلویزیون دولتی سوریه اعلام کرد هشت موشک به پایگاه هوایی تی-۴ در استان



حمله به سوریه،

واکنشی با ابعاد مختلف



گزارش: آرش صالح

رژیم اسد و حامیان آن در منطقه وارد نماید که آن‌ها را در زمان اسفاده مجدد از سلاح شیمیای به فکر وادارد؟ به نظر نمی‌رسد که خساراتی که این حمله به سوریه و هم‌پیمانان آن وارد کرده باشد چنان جانکاه بوده باشند که از اندیشیدن سوریه به استفاده مجدد از سلاح‌های شیمیای جلوگیری نمایند. اما آنچه این حمله‌ها به دنبال اثبات آن هستند می‌تواند دارای چند بعد متفاوت باشد که سلاح‌های شیمیای تنها یک بعد از آن باشد.

برای آنکه بتوانیم کانتکس و زمینه‌ای را که این حمله‌ها در

نمودند اما این مساله همچنان میتوانست حاکی از یک تهدید امنیتی جدید باشد که از جانب روسیه متوجه اروپا باشد.

از سوی دیگر با تقویت گرایشات مبتنی بر دخالت کمتر در مساله امنیت جهان و به تبع آن در اروپا و آمریکا، اقدام تهدیدآمیز روسیه در انگلیس اهمیت بیشتری برای کشورهای اروپائی پیدا کرده بود. در چنین شرایطی به نظر می‌رسد که تمایل اروپا و علی‌الخصوص انگلیس و فرانسه برای متقاعد کردن آمریکا برای ایفای نقش رهبری در حفظ امنیت جهان بالاتر رفته باشد. لذا بنا برخلاف آنچه که به نظر می‌رسد، اروپا علی‌الخصوص فرانسه و بریتانیا هستند که می‌بایست آمریکا را به سوی انجام این واکنش تشویق کرده باشند و نه بالعکس.

دیگر مقوله‌ای که به نظر می‌رسد در این زمینه اهمیت بسزایی دارند، تمایل افکار عمومی در غرب برای انجام این رویارویی است. این تمایل به نظر می‌رسد از آنجا ناشی می‌شود که غربی‌ها دریافته‌اند که عدم توانایی آن‌ها در اعمال خطوط قرمز باعث شد که دیکتاتور سوریه و مدافعان آن -ایران و روسیه- در سرکوب ملت سوریه و کشتار آن‌ها، بی‌پروا تر عمل کنند. این بی‌میلی غرب برای اعمال قوانین و خطوط قرمز به مثابه یک چراغ سبز برای کشتار بیشتر مردم سوریه تعبیر شده و به همین دلیل کشتار در سوریه بالا گرفته است. این مقوله از سوی وجدان عمومی غرب درک شده و به همین دلیل غربی‌ها این مسئولیت اخلاقی خود را تا حدی درک نموده‌اند. این می‌تواند دست دولت‌های غربی را در اجرای برنامه استراتژیک خود که همانا فرستادن پیام به روسیه و ایران است از لحاظ سیاست داخلی باز بگذارد.

دولت‌های غربی علاوه بر دغدغه‌های سیاست بین‌الملل دارای دغدغه‌های سیاست داخلی خود نیز هستند. به عنوان مثال انتخاب مجدد حزب در انتخابات آتی و ماندن حزب در قدرت یکی از اساسی‌ترین مسائلی است که این دولت‌ها در زمان مواجهه خود با چالش‌های بین‌المللی باید قویا در نظر داشته باشند. اینکه در شرایط کنونی افکار عمومی، ضدیت جدیی با مواجهه نظامی با چالش کنونی ندارند باعث می‌شود که این دولت‌ها در اجرای برنامه مذکور با فراغ

بال بیشتری عمل نمایند. این مقوله اما از زاویه دیگری قابل بحث است که می‌تواند در روشن شدن چرایی محدود بودن ابعاد این حمله تاثیر گذار باشد. عدم یک استراتژی منسجم در خصوص سوریه، نبودن یک آلت‌رناتیو مناسب برای دولت اسد و همچنین خطر قدرت گرفتن مجدد داعش و دیگر گروه‌های تروریستی در این کشور سه محدودیت عمده بر سر راه مواجهه غرب با مساله سوریه است. در چند سال گذشته که دولت سوریه در نتیجه بهار عربی وارد یک سری اعتراضات خیابانی شد مماشات دولت اوپاما با سرکوب‌های رژیم اسد و گره زدن این مساله با توافق هسته‌ای ایران موجب آن شد که از یک سو، ایران بتواند برنامه خود را برای تغییر ماهوی اپوزیسیون عملی کند و از سوی دیگر دولت اوپاما را در خصوص سوریه کاملاً بدون استراتژی و خلع سلاح کند. در شرایطی که دولت اوپاما بر سر مساله هسته‌ای با رژیم ایران در حال مذاکره بود، مساله سوریه به عنوان یکی از مسائل جانبی در این مذاکرات مطرح شد و دولت اوپاما برای دستیابی به توافق هسته‌ای و دادن امتیاز به ایران چشم خود را بر روی

تحولات سوریه و برنامه‌های تروریستی جمهوری اسلامی در آنجا فرو بست. در نتیجه این روند ایران توانست که به کمک روسیه، اپوزیسیون سکولار و نزدیک به غرب را از بین برده و فضا را برای تقویت یافتن داعش و جریانات اسلامی در سوریه فراهم آورد که در نهایت غربی‌ها مجبور شدند در میان دو گزینه بد و بدتر گزینه بد را که اسد باشد به گزینه بدتر که داعش باشد ترجیح دهند و از ترس گسترش روز افزون داعش فشار جدیی به اسد وارد

از بین رفتن اپوزیسیون سکولار در سوریه که پس از سرکوب‌های شدید اسد، مسلح شده بودند باعث شد که غربی‌ها عملاً در خصوص آینده سوریه بدون گزینه باقی بمانند. این مساله به کمتر شدن علاقه غرب به ماندن و گرفتار شدن در سوریه منجر شد تا اینکه نتیجتاً در چند هفته گذشته رئیس‌جمهور آمریکا اعلام نمود که نیروهای نظامی این کشور برای از مبارزه با داعش در سوریه هستند و به زودی آنجا را ترک خواهند کرد. این سخنان و تغییر موضع پس از آن به اوج خود رسید که سیگنال‌های پارادوکسیکالی از کاخ سفید و واشینگتن در خصوص مساله سوریه صادر شد.

عدم توانایی دولت آمریکا در نشان دادن عزمی راسخ در برخورد با سوریه، دست اسد و حامیانش را بیشتر باز گذاشته تا بیش از گذشته سوریه را به حمام خون و قتلگاه مردم سوریه تبدیل کنند. به همین دلیل، واقعیت موجود در سوریه به حدی دچار پیچیدگی شده که هرکدام از عوامل فوق‌الذکر زنجیره‌وار به هم گره خورده و دایره‌ای به وجود آورده‌اند که عملاً فرار از آن، دشوار به نظر می‌رسد.

چرا هدف قرار دادن سلاح‌های شیمیای در سوریه کافی نیستند



شیمیایی، کاملاً در چارچوب اصول اخلاقی عمل نموده‌اند اما اگر یک استراتژی منسجم در خصوص سوریه وجود نداشته باشد این حمله تنها می‌تواند یک پیام اشتباه به همراه داشته باشد و آن هم اینکه ما اهمیتی برای اکثریت کشتارها و جنایت‌هایی که در هفت سال گذشته در سوریه و توسط دولت این کشور انجام پذیرفته‌اند، قائل نیستیم.

جاهای دیگری مانند حزب‌الله و یمن با دیگر نیروهای وابسته به ایران روبرو شد و در قدم دوم با اجرای یک منطقه پرواز ممنوع این امکان برای برای مردم سوریه فراهم شود که به یک منطقه امن دسترسی داشته باشند. در نهایت این گزارش نتیجه می‌گیرد که آمریکا، انگلیس و فرانسه در حمله به سوریه و واکنش به استفاده از سلاح‌های

که این وضعیت را برای ترامپ به جا گذاشت اما از سوی دیگر، تمرکز بر روی داعش و فراموش کردن خونریزی‌های رژیم اسد در واقع استمرار سیاست‌های ویرانگر اوپاما است. همچنین نگرانی‌هایی که در خصوص رویارویی مستقیم آمریکا با روسیه در سوریه وجود دارند کاملاً صحیح و به جا هستند و به همین دلیل برای حل مساله سوریه اولاً باید در

کشور از ادامه کشتار جمعی مردد است. همین یک هفته پیش بود که ترامپ در نظر داشت دوهزار سرباز آمریکایی را که در سوریه حضور دارند به کشور بازگرداند و به طور کلی از سوریه خارج شود.

این گزارش می‌افزاید: اگر بخواهیم منصف باشیم این وضعیتی که در سوریه به وجود آمده در نتیجه سیاست‌های ترامپ در تهیه یک استراتژی منسجم برای بازداشتن این سه

گزارش از: مالشت کلپر

بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها در تحلیلی از واکنش نظامی آمریکا، انگلیس و فرانسه به حملات شیمیای دولت اسد به این مساله می‌پردازد که چرا از نگاه تحلیلگر این بنیاد، حملات مذکور به هیچ عنوان برای بازداشتن دولت اسد در کشتن مردم بی‌دفاع سوریه کافی نیست. در این گزارش جاناناتان شانز می‌نویسد که دولت‌های آمریکا، انگلیس و فرانسه با شلیک ۱۰۵ موشک اهداف متعددی در سوریه هدف قرار دادند که شامل تاسیسات تولید کننده مواد شیمیایی این کشور بودند.

در ادامه اما این گزارش توضیح می‌دهد که به نظر می‌رسد این حمله میتواند به گونه دیگری نیز تعبیر شود و آنهم این است که اسد و حامیان آن کماکان می‌توانند از سلاح‌های غیرشیمیایی برای قتل‌عام مردم سوریه استفاده نمایند.

عرفان رهنمون در مصاحبه با "کوردستان":

مبارزه برای دکتر شرفکندی،

شیوهای از زندگی بود که به آن معنا و مفهومی فلسفی و اخلاقی می‌بخشید



● گفتگو: شهرام میزائی

می‌گویند هر ملتی در هر عصر و قرنی شاهد حضور رهبری خواهد بود که آن ملت را به سوی تعالی و شکوه، هدایت خواهد کرد. اما ما کوردها در کمتر از نیم سده شاهد ظهور و حضور دو رهبر نابغه، تاثیرگذار و مردمی بودیم که در کوتاه‌ترین زمان ممکن بیشترین بسترهای ممکن فکری-عملی را برای تعالی انسانیت در کوردستان مهیا و بنیاد نهادند، بنیادهایی که بعد از گذشت قریب به چند دهه هنوز جنبش آزادیخواهانه

و رهای‌بخش کوردستان، به طور عام و خاص مدیون و وام‌دار آن‌ها می‌باشد. دکتر عبدالرحمن قاسملو و دکتر شرفکندی، دو رهبر عمل‌گرا و تئوریک جنبش آزادیخواهانه و ضدفاشیستی کوردستان بودند که فارغ از تفاوت در سیر تحولات زندگی‌شان، سرنوشتی مشابه داشتند.

دکتر سعید شرفکندی، که در خانواده‌ای فقیر و تنگدست کورد در روستای "طرغه" از توابع بوکان، در سال ۱۳۱۶ چشم به جهان گشود، به دلیل هوش و ذکاوت بالا توانست مقاطع مختلف تحصیلاتی و عالی را فارغ از شرایط سخت حاکم بر زندگی خود و خانواده‌اش، طی کرده و با اخذ مدرک دکترای شیمی از دانشگاه پاریس در سال ۱۳۵۵ شمسی، به اوج مراتب عالی علمی دست یابد. دکتر صادق شرفکندی در سال‌های تحصیل در پاریس با رهبر جنبش

ملی-دمکراتیک کوردستان، عبدالرحمان قاسملو آشنا شده و قاسملو به تبع توانایی‌های شگرف در سخنوری و اقناع مخاطب، توانست دکتر شرفکندی را به عضویت حزب دمکرات در بیاورد و از آن زمان تا ۲۶ شهریور ۱۳۷۱ -ترور در برلین-، تمام وجود و هستی خود را در راه تعالی و آزادی انسان استثمار شده و استعمارزده‌ی کورد، صرف کرد. از آن روی که بیست‌ویکم فروردین‌ماه ۱۳۷۶، پایان دادگاه پنج ساله‌ی ترور دکتر صادق شرفکندی می‌باشد که طی آن سران عالی و کلیت جمهوری اسلامی ایران به عنوان نمونه بارز ترور در جهان شناخته شد و با سپری کردن بیست‌ویک سال از صدور این حکم تاریخی، مصاحبه‌ای با عرفان رهنمون، فعال و تحلیلگر سیاسی داشته‌ام که تقدیم حضور خوانندگان عزیز "کوردستان" می‌شود.

آیا ترور در کوردستان تنها به حذف فیزیکی خلاصه می‌شود یا ابعاد ترور فراتر از حذف فیزیکی اشخاص در کوردستان می‌باشد؟

از دیدگاه من، کوردستان برای رژیم ایران به مثابه مستعمره‌ای است که فاقد هرگونه حق حاکمیت سیاسی و حقوقی می‌باشد و دیر زمانی‌ست که به اشغال درآمده و فروپاشی قدرت سیاسی در مرکز ایران، در امر مستعمره بودن کوردستان، تغییری را بوجود نیاورده است. حتی می‌توان گفت که اگر تغییراتی هم صورت گرفته باشد در جهت منفی بوده و علتش هم به این واقعیت ملموس برمی‌گردد که رژیم الگارشوی آخوندی، به مراتب از رژیم قبلی درنده‌تر، سفاک‌تر و سبک مغزتر می‌باشد. از اینرو وقتی که رژیم ایران، در چارچوب یک مستعمره فاقد هرگونه حق و حقوقی با کوردستان تعامل

می‌کند نتیجتاً این اعمال و رفتار استعمارگرایانه تنها به حذف فیزیکی مبارزان راه آزادی محدود نمی‌شود، بلکه شامل طیف وسیعی از چپاول منابع طبیعی، تخریب محیط زیست، فراری دادن نیروهای متخصص کورد، رواج لجام گسیخته‌ی فحشا و مواد مخدر و از همه مهمتر اعمال سیستماتیک و گسترده‌ی ژئوساید فرهنگی در کوردستان بوده است.

فلسفه‌ی ترور از دیدگاه جمهوری اسلامی چیست و علت آنکه عریان‌ترین نوع ترور را بر کوردستان نسبت به مناطق دیگر ایران اعمال کرده است چیست؟

همانگونه که پیشتر اشاره کردم، باید رفتار جمهوری اسلامی ایران در کوردستان را در چارچوب مفاهیم و مقولات مرتبط با رابطه‌ی میان استعمارگر و استعمار شونده مورد تحلیل و ارزیابی قرار داد. بدین معنا که اعمال استعمارگرایانه‌ی یک رژیم در مستعمره‌ی اشغال شده شامل مجموعه‌ای از اقدامات سرکوب گرایانه است که اتفاقاً، ترور عریان را رژیم‌های استعمارگر معمولاً در انتهای اعمال یاد شده قرار خواهند داد. اما اینکه به چه علت، رژیم اسلامی ایران از همان ابتدای فروپاشی رژیم پادشاهی، سیاست‌های سخت افزاری و من جمله ترور عریان را در مقابله با جنبش ملی کوردستان در راس برنامه‌هایش قرار داد، به این امر برمی‌گردد که در کوردستان برخلاف سایر مناطق غیر فارس، جنبشی ملی و رهایی بخش وجود داشت که به راحتی میدان را برای استبداد، خالی نمی‌کرد. به همین علت، از همان ابتدا با کشتار و ژئوساید و ترور فیزیکی به جنبش رهایی بخش کوردستان پاسخ داد و تنها در چند سال اول قدرت گرفتن رژیم خمینی، بیش از ۵۰ هزار نفر از مردمان کوردستان کشته و زخمی شدند

و شهرهای کوردستان آماج وحشیانه‌ترین بمباران‌ها قرار گرفتند و چندین روستا هم به طور کامل ژئوساید شدند. ما مردم کورد باید بدانیم که تحت اشغال قرار داریم و تاریخ استعمار نشان داده است که استعمارگر به سهولت از منافع سرزمین تحت اشغالش چشم پوشی نخواهد کرد و برای پایان دادن به این ستمگری باید خیزشی نوین در کوردستان صورت گیرد .

اینکه برای نخستین بار یک دادگاه عالی توانست کلیت حکومت جمهوری اسلامی را به عنوان نهادی تروریستی معرفی و بشناساند و برای سران عالیرتبه رژیم مذکور حکم پیگرد بین‌المللی صادر کند، اهمیت سیاسی و تاریخی آن را در چه ابعادی می‌بینید؟

حکم دادگاه برلین (معروف به میکنونوس) که به روشنی رژیم ایران و سرانش را به دخالت، برنامه‌ریزی و اقدام عملی در ترور رهبر جنبش کورد زنده یاد دکتر صادق شرفکندی، شناساند دارای اهمیت سیاسی، حقوقی و تاریخی ویژه‌ای است. از بعد سیاسی ازاین جهت حائز اهمیت می‌باشد که در سطح بین‌المللی و در دادگاهی که در زمان خود از انعکاس وسیعی برخوردار بود و برای چند ماه در راس اخبار جهان قرار داشت، مساله‌ی کورد و مبارزاتش انعکاس یافت و تمام مردم جهان دریافتند که ملتی در ایران تحت ستم قرار دارد که نه تنها حقوقش به رسمیت شناخته نمی‌شود، بلکه رهبران طراز اولش نیز در "وین" و "برلین" ترور می‌شوند و این ستمگری رژیم ایران به مرزهای ایران محدود نبوده و قلب اروپا را نیز درنور دیده است . دادگاه برلین از حیث حقوقی هم برای جنبش کوردستان از اهمیت فراوانی برخوردار است زیرا ترور رهبران کورد

و وجود حکم دادگاهی بین المللی در شناساندن رژیم ایران و رهبرانش به عنوان عاملان این جنایت، یک سند حقوقی و دارای وجهت و اعتبار بین‌المللی است و همیشه در دعای حقوقی مرتبط با ترور دولتی و سیستماتیک، می‌توان بدان استناد کرد. از بعد تاریخی هم حکم دادگاه برلین برای ما کوردها از اهمیت بالایی برخوردار است چرا که در طول تاریخ مبارزات ملی مردم کوردستان بسیاری از رهبران فرهمند کورد توسط دشمنان ما ترور شده‌اند ولی هرگز دادگاهی برای رسیدگی به آن ترورها، برگزار نشده است. بدین خاطر دادگاه برلین اولین و تاکنون آخرین دادگاهی است که در آن پرونده ترور رهبران کورد مسیری قانونی و حقوقی را پیموده و به سرانجامی مطلوب رسیده است.

اما ذهن هر خواننده‌ای به این سوال مشغول می‌شود که در شخصیت و رهبری دکتر سعید چه ویژگی‌های فکری-عملی وجود داشت که تنها با گذشت کمتر از سه سال از دبیر کلی این مبارز، جمهوری اسلامی او را تهدیدی اصلی بر ادامه حیات نظام خود می‌بیند و دست به ترور او می‌زند؟

دکتر صادق شرفکندی با وجود اینکه مدت کوتاهی رهبری جنبش آزادیخواهی کوردستان را به عهده داشت، اما رهبری تمام عیار، کاریزماتیک و فرهمند بود . البته ایشان از سال ۱۳۵۲ به صورت حرفه‌ای در مبارزات ملت کورد مشارکت داشتند و همیشه یکی از ارکان اصلی و تعیین کننده در تصمیمات سیاسی در حزب دمکرات بود و رژیم ایران به خوبی از اهمیت و نقش ایشان در مبارزات ملی کوردستان مطلع بود. اما شاید به دلیل جایگاه ویژه دکتر عبدالرحمان قاسملو در حزب دمکرات و

جنبش ملی-دمکراتیک کورد، رژیم اینگونه می‌پنداشت که با ترور او ، صفوف مبارزان کورد چنان دچار سرخوردگی و نومی‌دی می‌شود که هیچ کسی را یارای سرپا نگه داشتن جنبش کوردستان نخواهد بود. اما دکتر شرفکندی در مدت کوتاهی بعد از ترور دکتر قاسملو، رژیم اسلامی را نومید و امید رهایی را در جان و روح مبارزان کوردستان زنده کرد و رژیم را به این قناعت رساند که باوجود دکتر شرفکندی نخواهد توانست جنبش رهایی بخش کوردستان را از تکاپو بیاندازد و به همین دلیل هم پروژه ترور ایشان هم کلید خورد و متأسفانه به اجرا درآمد.

دکتر شرفکندی تمام ویژگی‌های یک رهبر طراز اول مبارزات ملی را داشت . قبل از هرچیز ایشان مبارزی تمام عیار و نستوه بودند. مبارزه برای او، وسیله رسیدن به هدف معینی نبود، بلکه مبارزه با جور و ستم و با هدف بسط آزادی و داد ، خود شیوهای از زندگی بود که به زندگی معنا و مفهومی فلسفی و اخلاقی می بخشید . از این رو ایشان مبارزی نستوه بود که هیچ قدرتی، یارای متوقف کردن ایشان را نداشت. او رهبری آگاه و اندیشمند بود که نه تنها تسلط کامل بر تاریخ کوردستان داشت، بلکه خوانش ژرفی از تاریخ اندیشه و مبارزات ملی ملت‌های تحت ستم در جهان داشت و با چنین تبحری، جنبش رهایی ملی کوردستان را رهبری می کرد. ایشان علاوه بر ویژگی‌های مذکور، یک ارگانیزر و سازمانده چیره‌دست بود که کمتر تاریخ کورد چنین شخصت جامع شرایط را به خود دیده است. بدون اغراق ایشان مکتبی است که می‌توان از او آموخت و برای رهایی و مبارزه با جور و ستم از آن بهره جست. یادش گرامی و راهش پر رهرو باد !

قطع ۴۸۰ درخت کهنسال تنگه ارغوان ایلام در سایه سکوت مسئولان



قطع ۴۸۰ درخت کهنسال ارغوان و بلوط در تنگه ارغوان ایلام اعتراض مردم و رسانه‌های این استان را در پی داشت.

براساس گزارش رسیده به آژانس خبرسانی گُردیا، اداره کل راه و شهرسازی ایلام به بهانه تعریض جاده ارغوان ایلام اقدام به قطع ۴۸۰ درخت کهنسال ارغوان و بلوط کرده است.

خبر قطع ۴۸۰ درخت کهنسال ارغوان و بلوط، مردم ایلام و فعالان محیط زیست را به واکنش واداشته است و آنان این اقدام را "زخمی دیگر بر پیکر جنگل‌های زاگرس" توصیف کردند. شهروندان ایلامی تعریض

جاده ارغوان را "غیرضروری" می‌دانند و می‌گویند: "متأسفانه این اقدام در سایه سکوت مسئولان انجام گرفته است."

همچنین فعالان محیط زیست ایلام با ابراز نگرانی نسبت به این مسئله، اعلام کردند: "قطع درختان بلوط و ارغوان تعرض به طبیعت ایلام و تخریب محیط زیست ایلام می‌باشد."

تنگه ارغوان در فاصله‌ی سه کیلومتری شمال شرقی شهر ایلام و در مسیر تنگه قوچعلی و در ورودی شمالی مسیر کرمانشاه به ایلام و در حوزه‌ی استحفاظی بخش سیوان (میه خاص) واقع شده است.



تداوم اعتصاب بازاریان در کردستان

مریوان، سقز، پیرانشهر و مهاباد به این اعتصاب پیوستند. معیشت بسیاری از مردم شهرهای مرزی کردستان وابسته به مرزها می‌باشد که مدتیست به دلایل نامعلوم بسته شده‌اند.

شده‌اند." از روز یکشنبه بیست و ششم فروردین‌ماه، بازاریان و اصناف شهرهای پانه و جوانرود در اعتراض به بسته شدن بازارچه‌های مرزی و افزایش تعرفه‌های گمرکی اعتصاب و به مرور گسترده‌تر شد و شهرهای

خصوص حمایت از معابر مرزی و بازگشایی آن هیچ تلاشی از خود نشان نمی‌دهد." وی می‌گوید: "بعضی از مسئولان هنوز باور ندارند که با مسدود ماندن معابر مرزی بیش از ۷۵ هزار نفر به عنوان کولر بیکار

رسول خضری، نماینده سردشت و پیرانشهر در مجلس ایران در گفت‌وگو با رسانه‌های محلی پیرانشهر با اشاره اعتصاب بازاریان گفته است: "شخص حسن روحانی، رئیس‌جمهور فعلی کشور نیز متأسفانه در

مهاباد و پیرانشهر نیز به جمع آنان پیوستند. بازاریان با پهن کردن سفره خالی خواستار جوابگویی مسئولین می‌باشند و خطاب به آنها اعلام کرده‌اند: "سفره خالی ما نان می‌خواهد."

بازاریان کردستان بر ادامه اعتصاب تا تحقق خواسته‌های خود تاکید دارند. براساس گزارش رسیده به آژانس خبرسانی کُردپا، اعتصاب بازاریان پانه، سقز و مریوان ادامه یافت و بازاریان

حکم اعدام رامین حسین‌پناهی در دیوان عالی کشور تایید شد

سیاسی کُرد با اشاره به صدور حکم اعدام برای موکلش طی گفتگویی کوتاه با آژانس کُردپا اعلام کرد: رامین حسین‌پناهی به اتهام بغی و عضویت در کومله به اعدام با طناب دار در محوطه زندان سنندج محکوم شده است. این وکیل پایه یک دادگستری خاطرنشان کرد: دادگاه انقلاب سنندج برای صدور حکم اعدام برای موکلش به گزارشات سپاه پاسداران و وزارت اطلاعات استناد کرده درحالی‌که وی در مراحل تحقیقات از امکانات تعیین وکیل محروم بوده است. وی افزود: صدور حکم اعدام برای موکلش بنا به خواسته وزارت اطلاعات بوده است.

نیروهای سپاه پاسداران در سنندج به شدت مجروح و توسط نیروهای سپاه بازداشت و پیش از تکمیل مراحل درمانی از بیمارستان سنندج به بازداشتگاه سپاه منتقل شده بود. پس از بازداشت رامین حسین‌پناهی، نیروهای امنیتی اقدام به بازداشت اعضای خانواده حسین‌پناهی کردند. دادگاه انقلاب سنندج طی حکمی رامین حسین‌پناهی، زندانی سیاسی کُرد را به اعدام محکوم و این حکم روز پنج‌شنبه پنجم بهمن‌ماه سال ۹۶ به وکیل پرونده‌اش ابلاغ شد. پیشتر، حسین احمدی‌نیاز، وکیل پایه یک دادگستری و وکیل پرونده این زندانی دوم تیرماه، طی درگیری با

حکم اعدام یک زندانی سیاسی کُرد در دیوان عالی کشور تایید گردید. براساس گزارش رسیده به آژانس خبرسانی کُردپا، حکم اعدام رامین حسین‌پناهی، زندانی سیاسی کُرد محبوس در زندان مرکزی سنندج به تایید دیوان عالی کشور رسید. حسین احمدی‌نیاز، وکیل پرونده این زندانی سیاسی کُرد ضمن تایید این خبر اعلام کرده است که این حکم روز سه‌شنبه بیست و یکم فروردین‌ماه در شعبه ۳۹ دیوان عالی کشور در قم تایید شده و خطر اعدام این زندانی سیاسی قریب‌الوقوع است. رامین حسین‌پناهی، روز جمعه دوم تیرماه، طی درگیری با

تعقیب و گریز نظامیان حکومتی موجب مرگ یک کاسبکار کُرد شد



طی سال‌های اخیر نیروهای نظامی-انتظامی حکومت اسلامی ایران در جاده‌های مواصلاتی کردستان ایران سرنشین خودروها را به بهانه‌ی حمل کالای قاچاق مورد تعقیب و تیراندازی قرار می‌دهند که در مواردی نیز موجب مرگ شهروندان کُرد شده که در این میان هیچ نهاد حقوقی و رسمی پاسخگوی اقدام غیرقانونی مأموران نیست.

"تنه" هورامان واژگون و در نتیجه آن وی به شدت زخمی شده بود. این کاسبکار کُرد، پس از چند روز بستری در بیمارستان به دلیل شدت جراحات وارده روز شنبه بیست و پنجم فروردین‌ماه جان باخته است. گفته می‌شود، خودروی این کاسبکار کُرد به ظن حمل کالای قاچاق مورد تعقیب نیروهای انتظامی قرار گرفته است.

خودروی یک کاسبکار کُرد اهل مریوان در پی تعقیب و گریز نظامیان حکومتی واژگون و وی پس از شدت جراحات وارده، جان خود را از دست داده است. براساس گزارش رسیده به آژانس خبرسانی کُردپا، چند روز قبل، خودروی یک کاسبکار مریوانی به نام "رحمان جمشیدی" اهل روستای "سیف علیا" در پی تعقیب و گریز نظامیان حکومتی در گردنه

یک جوان کُرد پس از احضار مجدد به اطلاعات اشنویه با نیروهای اطلاعاتی درگیر شد

یک منبع مطلع در این رابطه به آژانس کُردپا اعلام کرد: این جوان کُرد در اعتراض به احضار به اداره اطلاعات با نیروهای اطلاعاتی درگیر و در این درگیری فیزیکی، دست یکی از نیروهای اطلاعاتی دچار شکستگی شده است. این منبع افزود: این شهروند کُرد با قرار وثیقه صد میلیون تومانی از بازداشت آزاد و در رابطه با درگیری فیزیکی با نیروهای

یک منبع مطلع در این رابطه به آژانس کُردپا اعلام کرد: این جوان کُرد در اعتراض به احضار به اداره اطلاعات با نیروهای اطلاعاتی درگیر و در این درگیری فیزیکی، دست یکی از نیروهای اطلاعاتی دچار شکستگی شده است. این منبع افزود: این شهروند کُرد با قرار وثیقه صد میلیون تومانی از بازداشت آزاد و در رابطه با درگیری فیزیکی با نیروهای

یک جوان کُرد اهل شهرستان اشنویه مجدداً به اداره اطلاعات این شهرستان احضار و مورد بازجویی قرار گرفت. براساس گزارش رسیده به آژانس خبرسانی کُردپا، چند روز قبل، یک جوان کُرد به نام "فخرالدین احمدیان" ۲۴ ساله فرزند ملابوکر اهل روستای "ده گرجی" به اداره اطلاعات اشنویه احضار و با نیروهای اطلاعاتی درگیر شده است.

ماموران اطلاعات سپاه ارومیه

از متهمان سیاسی درخواست رشوه می‌کنند

سیاسی است که سن ماموران اطلاعاتی بین ۴۵ تا ۵۰ سال می‌باشد. به گفته این منبع آگاه، ماموران اداره اطلاعات سپاه از متهمان سیاسی درخواست رشوه و تهدید می‌کنند که در صورت عدم موافقت با این درخواست اتهامات سنگینی را به آنان نسبت خواهند داد. این منبع آگاه تاکید کرد: اکثر متهمان سیاسی به دلیل وضعیت نامناسب مالی توانایی پرداخت مبلغ درخواستی ماموران اطلاعاتی را ندارند و با پرونده سازی‌های جدید و سنگین روبرو می‌شوند.

شامل زیر زمین برای شکنجه و طبقه همکف برای بازجویی و نگهداری دارای ۵ اتاق که دستشویی داخل اتاق می‌باشد. این منبع آگاه افزود: اداره اطلاعات سپاه ارومیه دارای یک حیاط ۵۰ متری می‌باشد که هر متهم حدود بیست دقیقه با چشم بسته برای هواخوری به داخل حیاط برده می‌شود و بعد از هواخوری با چشم بسته به داخل اتاق برده می‌شود. این منبع آگاه اعلام کرد: همچنین اداره اطلاعات سپاه ارومیه دارای سه اتاق بازجویی و اتاق استراحت کارشناسان پرونده متهمان

رشوه‌گیری از متهمان سیاسی به منبع درآمد ماموران اطلاعات سپاه سیدالشهدا ارومیه میدل شده است. براساس گزارش رسیده به آژانس خبرسانی کُردپا، ماموران اداره اطلاعات سپاه سیدالشهدا ارومیه از متهمان سیاسی درخواست رشوه و مجبور به پرداخت آن می‌نمایند. یک منبع آگاه در این رابطه به خبرنگار کُردپا در ارومیه گفت: اداره اطلاعات سپاه سیدالشهدا پایین‌تراز زندان مرکزی ارومیه می‌باشد که زیرنظر سپاه پاسداران است و